



نیره د. صمصامی. *ایران در ادبیات فرانسه*. نشر دانشگاهی فرانسه، ۱۹۳۶. ۲۰۶ص.

Nayereh D. Samsami. *L'Iran dans la littérature française*. Les Presses universitaires de France, 1936. 206 p.

دکتر نیره صمصامی در رساله خود به بررسی تأثیر فرهنگ ایران بر آثار ادبی فرانسه می‌پردازد و نمود سیر تفکر ایرانی را که در آثار ادبی و هنری این کشور تبلور یافته است در ادبیات فرانسه قرون هفدهم تا بیستم بررسی می‌کند. او طی این پژوهش بیشتر بر روی تصویر فرهنگ و هنر ایران در سفرنامه‌هایی که ادیبان و نویسندگان فرانسوی به رشته تحریر درآورده‌اند و نیز بر تأثیر این کشور شرقی بر آثار نویسندگان و شاعران مکاتب رمانتیسم، پارناس و سمبولیسم تمرکز می‌کند و در نهایت به شکل مفصل از نمود این تأثیر بر هنری دو مونترلان^۱، نویسنده شهیر فرانسوی، سخن می‌گوید.

رساله صمصامی در پنج فصل نگاشته شده است. نویسنده در نخستین فصل خود به مطالعه سفرنامه‌های فرانسوی پایان قرن هفدهم و آغاز قرن هجدهم می‌پردازد. تا پیش از این تاریخ، اروپاییان شناخت درستی از ایران نداشتند و می‌توان بر تخت نشستن شاه عباس صفوی را نقطه آغازین روابط ایران و اروپا دانست. گسترش این روابط منجر به آشنایی فرانسویان با تمدن، فرهنگ، ادب و هنر ایران زمین شد و تأثیر بسیاری بر آثار شاعران و متفکران فرانسوی گذاشت. در فصل نخست این اثر، تنها تاریخچه‌ای از چگونگی شکل‌گیری روابط ایران و فرانسه ارائه می‌شود. بدیهی است که در این فصل، چنان‌که پرداختن به تاریخچه اقتضا می‌کند، شاهد تحلیل‌های نویسنده نیستیم و تنها روایت ساده‌ای از این ارتباط را می‌خوانیم. خواننده در این فصل شاهد نقشه‌ای است از مسیری که ادبیات کهن فارسی در قرون گذشته پیموده و در نهایت خود را به اروپا رسانده است.

1. Henry de Montherlant

با توجه به جایگاه ویژه داستان‌های هزار و یک شب در تاریخ ادبیات جهان، نگارنده رساله فصل دوم را به بررسی تأثیر این شاهکار ادبی بر هنر و ادبیات کشور فرانسه اختصاص می‌دهد. به عقیده وی، هیچ اثری در طول تاریخ با اقبال جهانی هزار و یک شب مواجه نشده است. در این فصل، او نخست به معرفی و بررسی ریشه ایرانی این اثر ماندگار می‌پردازد و بدین منظور، شواهد و دلایلی ارائه می‌کند. بخش دوم به تحلیل تأثیر هزار و یک شب بر آثار ادیبان، نمایشنامه‌نویسان و هنرمندان فرانسوی می‌پردازد. این تأثیر از وام‌گیری ساده مفاهیم و مضامین و استفاده از نام‌های ایرانی فراتر می‌رود، تا حدی که نویسندگان در طراحی صحنه، موسیقی، جزئیات پوشش و توصیف زیبایی زنان نیز از هزار و یک شب بهره می‌برند. نقیضه‌های آنتوان همیلتون^۱ و نمایشنامه‌های آلن رنه لوساژ^۲ شاهدان خوبی بر این گواهند.

با توجه به اطلاعاتی که صمصامی در این فصل به خواننده ارائه می‌کند، می‌توان گفت آنچه به گستره خیال مربوط است، مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و در میان غربیان نیز مقبول واقع می‌شود. از سوی دیگر، مطالب این فصل نشان می‌دهد که وی از دیدگاه روان‌شناختی نیز به تطبیق این تعامل فرهنگی نگریسته است. صمصامی، پس از اشاره به رد پای هزار و یک شب بر آثار فرانسوی، تلاش می‌کند تا تحلیلی از این شباهت‌های روان‌شناختی ارائه دهد که متأسفانه زیاد در بحث عمیق نمی‌شود و تحلیل‌ها را نیمه‌کاره رها می‌کند. در بخش‌های مختلف این فصل، بیشتر شاهد تمرکز و تکیه او بر چگونگی دریافت هزار و یک شب از سوی فرانسویان هستیم و تحلیل و تفسیر چندانی، که مختص تفکر شخصی نگارنده باشد، به چشم نمی‌خورد.

نویسنده رساله در فصل سوم از تأثیر فرهنگ و ادب فارسی بر فیلسوفان بزرگ قرن هجدهم فرانسه، نظیر ولتر، دیدرو و مونتسکیو، سخن به میان می‌آورد. فیلسوفان قرن هجدهم به نقد حاکمیت جامعه خویش و فرهنگ عموم می‌پردازند و راهکارهایی را برای حرکت به سوی جامعه‌ای آرمانی و بهبود وضعیت موجود ارائه می‌کنند. این راهکارها بی‌شبهت به مضامین عمیق و گران‌بهای گلستان سعدی نیست. ادبیات

1. Antoine Hamilton

2. Alain-René Lesage

تعلیمی ایران سرشار از پندها و نکات ظریفی است که در تمام ادوار و تمام جوامع به رشد و تعالی انسان کمک می‌کند. بدین روی، فیلسوفان شاخص فرانسوی از این تعالیم بسیار بهره جستند و تأثیر ادبیات فارسی بر آثارشان هویداست. همان‌گونه که سعدی در حکایات گلستان از عدالت حاکمان، تکریم جایگاه انسان، تساهل مذهبی، فضایل اخلاقی، خردمندی و خردورزی سخن می‌راند، ولتر و مونتسکیو نیز با اتکا به درون‌مایه‌های گلستان سعدی، از جامعه خویش انتقاد می‌کنند اما دیدرو با هدفی متفاوت از ادبیات ایران بهره می‌برد. او از عبارات فاخر و خیال‌انگیز سعدی در بیانیه‌های اجتماعی خود و در تبلیغ راهی استفاده می‌کند که به عنوان نگارنده دایرةالمعارف پیموده است. صمصامی در پایان این فصل بیان می‌کند که چگونه به دنبال افتتاح مدرسه زبان‌های شرقی در سال ۱۷۷۳، ایران نزد فرانسوی‌ها تبدیل به مهد فرهیختگان شد اما شاعران رمانتیک، در قرن نوزدهم، این کشور را مأمنی خیال‌انگیز و مسحور کننده معرفی کردند. از آن پس، نگاه به ایران به گونه‌ای دیگر بود.

صمصامی در چهارمین فصل از رساله خود از این نگاه متفاوت شاعران فرانسوی صحبت می‌کند. وی در سه بخش مختلف، از تأثیر هنر و ادبیات فارسی بر شاعران مکاتب رمانتیسم، پارناس و سمبولیسم سخن می‌گوید. در نخستین بخش که مختص شاعران رمانتیک است، نویسنده شرح می‌دهد که شاعران این مکتب چه مضامینی را از ادبیات فارسی وام گرفته‌اند و بدین منظور، آثار برخی از شاعران رمانتیک را بررسی می‌کند. نخست، به مطالعه دو اثر بزرگ ویکتور هوگو یعنی دیوان شرفیات و افسانه قرون می‌پردازد. رد پای ادب فارسی و به ویژه گلستان سعدی، به وضوح در هر دو اثر هوگو قابل مشاهده است. هوگو در دیوان شرفیات مجموعه‌ای از افکار شاعران مختلف ایران زمین مانند سعدی، مولانا، عطار و فردوسی گرد می‌آورد. لحن کلی حاکم بر بعضی اشعار این دیوان شبیه به آن چیزی است که بسیار پیش‌تر از این، نزد سعدی دیده‌ایم. مضامینی نظیر حالات روحی، افسوس گذشته، گذر عمر و زوال و نیستی در آثار هر دو شاعر جایگاه ویژه‌ای دارند. از سوی دیگر، هوگو در این اثر بزرگ به گونه‌ای از مفاهیم عرفانی سخن می‌گوید که جهان‌بینی شاعرانی چون عطار و مولانا را به یاد خواننده می‌آورد. در اثر دیگر او، افسانه قرون، جهان ترسیم شده و حضور

نیروهای نیکی و پلیدی همان باور مانوی است که در گلستان سعدی به چشم می‌خورد. بر خلاف وی، لامارتین خوانشی سطحی از گلستان دارد و نمی‌توان گفت که شناخت شرق تأثیر زیادی بر وی گذاشته است اما یکی از مضامین مهم شاهکار جاودانه سعدی بر تفکر و نگارش او تأثیر بسزایی دارد: این که لامارتین طبیعت را جلوه‌ای از حضور خداوند می‌داند، نویسنده رساله را به یاد دیباچه گلستان می‌اندازد. لامارتین همچنین، با الهام از وجه غنایی و عاشقانه شعر سعدی، احساسات ناب و ماندگاری را در اشعار خود خلق می‌کند. چنین است که آثار او تا به امروز از شاهکارهای جاودان ادبیات فرانسه به شمار می‌رود.

اگر بخواهیم به گونه‌ای دیگر و به صورت کلی به این تأثیرپذیری‌ها نگاه کنیم، درمی‌یابیم که مضامین شاخص رمانتیسم و ام‌دار فرهنگ مشرق‌زمین و به طور خاص کشور ایران هستند. فرانسویان با توجه به اقتضای زمانه و روحیات جامعه خود از این مفاهیم کهن در آثار خود بهره جستند و جهانی آرمانی را به تصویر کشیدند، جهانی سرشار از نیکی، شور عشق، زیبایی طبیعت و خاطرات شیرین کودکی. از سوی دیگر، سخن گفتن از احساسات و حالات روحی که عنصر مهم رمانتیسم است، پیش از آن به کمال و به زیبایی هرچه تمام‌تر، در ادبیات فارسی دیده می‌شد. اگر پژوهشگری مانند نیره صمصامی این تأثیر را به صورت موردی و مصداقی بررسی کرده است، شاید بتوان این تأثیرپذیری را به طور کلی به مکتب رمانتیسم نسبت داد و گفت که مضامین اصلی این مکتب بر پایه مفاهیم ادب فارسی پی‌ریزی شده است. به بیان دیگر، این مکتب عصاره‌ای است از مفاهیم شاخص ادبیات کهن فارسی.

در بخشی دیگر از این فصل، نویسنده از تأثیرپذیری جنبش ادبی پاراناس از هنر فارسی می‌گوید. برای این دست از شاعران، وجه زیباشناختی ادب فارسی بیش از وجه غنایی و عاشقانه آن مهم بوده است. آنان همچنین توجه ویژه‌ای به هنر نگارگری ایران نشان می‌دادند و عقیده داشتند حتی شاعران ایران نیز در آثار خود چنان تصویر زیبایی در ذهن خواننده خلق می‌کنند که شعرشان به زیبایی نگارگری‌های باشکوه ایران است. به این شکل است که ادیبی نظیر تئوفیل گوتیه^۱ تأثیر بسیاری از اشعار سعدی، حافظ و

رباعیات خیام می‌پذیرد و جهانی خیال‌انگیز و رؤیایی ترسیم می‌کند که بی‌شبهات به فضای داستان‌های هزار و یک شب نیست. در نظر لُکنت دُ لیل^۱، دیگر شاعر بزرگ فرانسوی، ایران سرزمین پریان است، گلستانی تمام‌عیار با زیبایی مسحورکننده و خارق‌العاده. بدین جهت است که او نیز در برخی آثار خویش از هنر ایران بهره می‌برد و در برخی دیگر از اشعار شاعرانی چون سعدی.

صمصامی در ادامه بیان می‌کند که شاعران سمبولیست نیز وام‌دار ادبیات ایران هستند. آنان سعی داشتند که برای خلق آثار خود از جهان خیال‌انگیزی بهره برند که پیش از آن، پیروان جنبش پاراناس را تحت تأثیر قرار داده بود و آن‌گاه مفاهیم عمیق و فلسفی سمبولیسم را در اثر خود جلوه‌ای تازه بخشند. چنان‌که در ادب فارسی می‌بینیم، در اشعار سعدی و حافظ نیز گونه‌ای سمبولیسم روان‌شناختی و تعلیمی به چشم می‌خورد و استعاره‌های بی‌نظیری در آثار این دو شاعر یافت می‌شود. مفاهیمی مانند کشف و شهود، رهایی از بند عالم صورت و رسیدن به عالم معنا، الهام و عشق آسمانی، که ریشه در ادبیات ایران دارند، طنین خود را به گوش فرانسویانی مانند آرمان رونو^۲ و ژان لاهور^۳ نیز رساندند و تأثیر بسیاری بر آنان گذاشتند.

آخرین فصل این رساله به بررسی تأثیر ایران بر نثرنویسان فرانسوی اختصاص دارد. این فصل علاوه بر ادبیات ایران، از فرهنگ و نمایش‌های آیینی ایران نیز سخن به میان می‌آورد. در نخستین بخش می‌بینیم که چگونه تعزیه، داستان‌های مذهبی و محیط فرهنگی کشور ایران به فرانسویان معرفی شد و بر آنان تأثیر گذاشت. نویسنده رساله در بخش دوم به تحلیل سفرنامه کنت دو گوینو^۴ می‌پردازد. وی در آغاز اظهار می‌کند که سعی دارد بر خلاف تحلیل‌های پیشین که بر روی این سفرنامه صورت گرفته است این بار از منظر ادبی به اثر بنگرد و وجه ادبی آن را نقد و بررسی کند اما در پایان نمی‌تواند به این هدف دست یابد و تقریباً باز هم شبیه به دیگر تحلیل‌ها عمل می‌کند و قلم

1. Leconte de Lisle

2. Armand Renaud

3. Jean Lahor

4. Le comte de Gobineau

دوگوبینو و ویژگی‌های ادبی اثرش را چنان‌که شایسته است، بررسی نمی‌کند چرا که تکیه او بیشتر بر ایرانی است که این سفرنامه‌نویس بنام ترسیم می‌کند.

در آغاز بخش بعد، صمصامی باز هم به سراغ سفرنامه‌های فرانسوی می‌رود و جلوه ایران در آنها را بازمی‌نمایاند. پی‌یر لوتی، نویسنده مشهور فرانسوی، از این دست افراد است که طی سفری که به ایران داشته، سفرنامه‌ای از این تجربه منحصر به فرد گردآوری کرده است. نگارنده در ادامه به مقایسه تصویری می‌پردازد که دیگران طی سفرهایشان به ایران از این کشور شرقی رسم کرده‌اند. او تشریح می‌کند که هر یک از آنان چه نگاهی به ایران داشته‌اند و چه زوایایی از فرهنگ، ادب و هنر ایران زمین را به مخاطب خود شناسانده‌اند. در پایان این بخش نیز صحبت از نویسنده مطرح فرانسوی، موریس بارس^۱، به میان می‌آورد. اشتیاقی که بارس به ایران نشان می‌داد، تأثیر بسیار عمیقی بر وی گذاشت و جهان‌بینی او را با تفکر شرق پیوند داد، پیوندی که منجر به خلق آثاری ماندگار شد.

در واقع بخش دوم و سوم این رساله از زاویه‌ای به بررسی سفرنامه‌ها می‌پردازد که بعدها «تصویرشناسی» نام گرفت. تصویرشناسی این گونه مسائل را به شکلی عمیق‌تر و قاعده‌مندتر تجزیه و تحلیل می‌کند اما نباید فراموش کرد که خشت اول آن را پیشگامانی چون دکتر نیره صمصامی نهاده‌اند و این شاخه و ام‌دار تلاش‌های نخستین پژوهشگران حوزه ادبیات تطبیقی است.

در آخرین بخش، که کامل‌ترین قسمت این اثر به شمار می‌رود، می‌بینیم که هانری دو مونترلان چگونه از سبک و اندیشه ادیبان ایران زمین، همچون حافظ، سعدی و خیام بهره جسته است. درون‌مایه‌های آثار این شاعران بزرگ به فکر مونترلان جهت داده است و جهانی که او ترسیم می‌کند، شباهت بسیاری به جهان شاعران ایرانی دارد. چنین است که وی در آثار خویش از ماهیت جهان هستی، زندگی، عشق، مرگ و نیستی و حتی شراب روحانی، که مفهومی است مختص ادب فارسی، سخن می‌گوید. در این بخش بررسی‌های تطبیقی عمیق‌تر است و گویی نگارنده رساله را به رشته تحریر در آورده است تا در نهایت به مطالب این بخش برسد و تلاش خود بر آن متمرکز کند.

نیره صمصامی رسالهٔ دکتری خود را، که از نخستین آثار حوزهٔ ادبیات تطبیقی به شمار می‌رود، در چارچوب مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی تهیه کرده است. او در این اثر، گذشته از تجزیه و تحلیل تأثیر فرهنگ ایران بر ادبیات فرانسه، دریچه‌ای به سوی «تصویرشناسی» گشود که شاخه‌ای بسیار مهم در ادبیات تطبیقی به شمار می‌رود. پژوهش او در زمینهٔ ادبیات تطبیقی فارسی راهگشای پژوهش‌های بزرگ دیگری، مانند از سعدی تا آراگون، اثر مهم و ارزشمند دکتر جواد حدیدی است.

سیده حانیه رئیس‌زاده^۱

